

فلسفه تشریح روزه در قرآن و روایات*

حجت الاسلام سیداحمد میرحسینی**

چکیده

اصولاً بحث در علل احکام شرعی از این منظر که مکلف به مقتضای بندگی بایستی در مقابل خداوند، تسلیم محض باشد موضوعیت ندارد؛ همین طور به لحاظ علم بشر، آگاهی کامل به مصالح و مفاسدی که نزد شارع مقدس منظور است از قلمرو توان علمی انسان خارج است در عین حال از آن جا که قرآن کریم به تعقل و اندیشه دعوت فرموده و گاه به بعض مصالح و مفاسد در تشریح احکام اشاره نموده، همین طور در احادیث معصومین - علیهم السلام - چنین شیوه‌ای دیده می‌شود؛ لذا در همان محدوده‌ای که قرآن و حدیث راهنمایی نموده‌اند، بحث و بررسی برای اهل ایمان، بلکه برای دیگران مؤثر خواهد بود. بر این اساس توجه به آثار و برکات روزه‌داری که در قرآن کریم و روایات وارد شده است، از یک سو پاسخ به شبهات خواهد بود و از سویی دیگر از نظر اعتقادی و فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی مؤثر می‌باشد. در مقاله حاضر در دو بخش آیات قرآن و روایات معصومین نه به صورت فرائی، بلکه در حد یک مقاله به بعض مصالح روزه‌داری پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: روزه، فلسفه و حکمت، مصالح و مفاسد، تقوا، آثار اخلاقی، آثار اجتماعی، آثار

اقتصادی، تعقل و تفکر، هدف‌های متوسط و هدف‌های اعلا.

مقدمه

در احکام نورانی اسلام هر آنچه شارع مقدس آن را لازم و واجب می‌کند و یا حتی انجام دادن آن را بهتر از عدم رعایت آن می‌داند، به خاطر خیر و منفعت مخصوصی است که در صورت ترک آن حاصل نخواهد شد. همین طور در جانب منهیات و مکروهات چه مصلحت و مفسده آن برای بشر قابل درک باشد و یا به لحاظ محدودیت ادراک او قابل درک نباشد، همین مصلحت جاری است؛ و از آن جا که برخی افراد با انگیزه‌های مختلف در تشریح احکام سؤال و یا احیاناً شبهه می‌کنند، لازم است که اولیای دین به بیان مصالح و مفسدات بعضی احکام بپردازند و گاهی در خود قرآن کریم این شیوه به چشم می‌خورد. هرگاه حکمت تشریح تکلیفی از این طریق به دست آید باعث اطمینان خواهد بود و حتی آثار اخلاقی و تربیتی خواهد داشت. گذشته از این‌ها تشخیص حکمت و مصالح و مفسدات احکام الهی برای جامعه بشری در جهت شکوفا شدن فطرت خدا شناسی و ایمان به خداوند مؤثر خواهد بود؛ باور مؤمنین و درخشش ایمانشان بیش‌تر می‌شود و همین طور در مقابل منکرین و معاندین، پشتوانه‌ای قوی بر پشتوانه‌های آنان افزوده، حتی زمینه رویکرد کفار به دین و شریعت الهی فراهم می‌گردد.

به بیان دیگر، تبیین فلسفه و حکمت احکام و تشخیص فواید و آثار آن‌ها حتی آثار طبیعی و دنیوی خود در کنار سایر ادله به عنوان حجت و دلیلی در خداشناسی قابل طرح می‌باشد و این که قرآن کریم خود را به عنوان‌های «کتاب مبین»، «نور»، «بینات» معرفی کرده گویای همین مدعاست (حجر، ۱؛ یس، ۶۹؛ نمل، ۱؛ نساء، ۱۷۴؛ تغابن، ۸؛ اعراف، ۱۵۷ و حدید، ۹).

چون وقتی مجموعه قرآن آیه و نشانه خداشناسی و دین شناسی و حق شناسی است، جزئی از آن هم که مشتمل بر احکام و تشریح تکالیف الهی است، همین وضعیت را دارد. همین طور است آیاتی که دعوت به تعقل و تفکر و تذکر و یا امید رسیدن به این مراحل و امثال این‌ها را مطرح فرموده است (بقره، ۲۱۹؛ بقره، ۲۴۲؛ نور، ۶۱؛ ذاریات، ۴۹؛ اعراف، ۱۷۶؛ ابراهیم، ۲۵ و قصص، ۴۳) این موارد به حسب ظاهر و با توجه به این که ناظر به مجموعه قرآن کریم می‌باشد، گویای آن است که تعقل و تفکر و اندیشه و توجه به حکمت الهی در هر حال و از جمله برای تشریح احکام خاص مناسب است.

بدون شک یکی از راه‌های اثبات حقانیت شرایع الهی برای بشر همین است که با توجه به یک حکم و قانون و پی بردن به حکمت و مصالح و برکات و آثارش، انسان کمال آن قانون و برتری آن را نسبت به احکام و قوانین بشری درک و به همین واسطه حقانیت و نورانیت آن و

حقانیت صاحب شریعت را کشف می‌نماید و چه بسا با توجه به همین موارد فطرت خاموش برخی افراد روشن می‌گردد.

این مطلب بدان معنا نیست که همه انسان‌ها همیشه مصالح و مفسد احکام الهی را درک می‌کنند، یا آن‌ها که از این توفیق بهره می‌برند همه مصالح را آن هم به نحو صحیح می‌فهمند. در هر حال حکمت الهی احکام، مخصوصاً جایی که خود قرآن و معصومین بیان کرده‌اند قابل فهم و دارای ارزش و قابل توجه است و حتی طبق اشاراتی که از خود قرآن کریم نقل کردیم رسماً به آن دعوت شده‌ایم. همچنین باید توجه داشت که بحث از فلسفه احکام در اصطلاح فقهی غیر از حکمت احکام است. در این مباحث نوعاً اشاره به حکمت احکام است هر چند در بسیاری از موارد این واژه‌ها در مورد یکدیگر استعمال می‌شوند (همانند عنوان همین مقاله).

روزه به عنوان یک حکم و تکلیف الهی - به تعبیر قرآن کریم - در شرایع پیشین نیز آمده و در آیین مقدس اسلام روزه داری به معنای امساک و خودداری انسان از کارهای مشخص با حدود معین می‌باشد. سؤالی که ممکن است پیش بیاید آن است که چرا انسان در حال روزه از این امور (با این که مطابق با طبیعت و اشتهای انسان است مثل خوردن و آشامیدن و همه این موارد مهم که مفسده ذاتی ندارد)، بازداشته شده و چرا باید در مقطعی مشخص از زمان خود را از این امور ممنوع نماید؟

گذشته از این پرسش، همان طور که در حکم همه احکام به طور کلی اشاره شد، راجع به روزه گرفتن و کشف مصلحت آن، آثاری اخلاقی و تربیتی و ... نهفته است؛ همچنین در ایجاد شوق و رغبت خاص برای ادای به این تکلیف مصالح مادی و معنوی آن قابل توجه خواهد بود. در مقاله به آیات خود قرآن کریم و روایات معصومین - علیهم السلام - به عنوان مستند توجه گردیده که طبعاً زمینه‌ای برای شکوفایی بصیرت و معرفت در دیدگاه توحیدی خواهد بود.

قرآن کریم و فلسفه روزه

همان طور که قبلاً اشاره شد، قرآن در برخی موارد به حکمت و فلسفه حکمی اشاره نموده است؛ مثلاً درباره لزوم رعایت عفت و چشم پوشی از حرام که می‌فرماید: «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذالک ازکی لهم» (نور، ۳۰)؛ لزوم عفت این عنوان شده است که موجب پاکیزه‌تر شدن شما خواهد بود.

همچنین در مورد بحث ممنوعیت شرب خمر بعد از آن که خمر را در زمره یکی از عملکردهای فاسد همانند قمار بر شمرده (و این امور را به عنوان پلیدی و عمل شیطان معرفی نموده است) می‌فرماید: «شیطان با این امور می‌خواهد عداوت و دشمنی در میان شما ایجاد نماید» (مائده، ۹۱)؛ که اشاره به مفسده‌ای از مفسد این اعمال ناروا است. همچنین در رابطه با حکم قصاص بعد از بیان اصل حکم و بعض فروع آن، حکمت و ثمره اجرای این حکم در جامعه حیات و زندگی عنوان شده است (بقره، ۱۷۹).

البته نوع این آثار و فواید به عنوان اهداف و آثار متوسطه قابل طرح است هرچند گاهی به اهداف عالی هم اشاره شده؛ مثل آن چه درباره نماز در قرآن کریم می‌خوانیم: «و اقم الصلواه لذکری» (طه، ۱۴). روشن است ذکر الله از اهداف عالی ادای فریضه نماز است، هر چند در همین امر نماز تعبیر «ان الصلواه تنهی عن الفحشاء و المنکر»؛ هدفی متوسط را نشان می‌دهد و آن باز داری و جلوگیری نماز از افعال ناروا می‌باشد؛ اما راجع به روزه در آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون» ابتدا خطاب به اهل ایمان، وجوب روزه مطرح شده است (کُتِبَ به معنای فرض آمده است؛ چنان که در تفسیر تبیان ذیل آیه قصاص آمده است: «معنی قوله کتب فرض و اصل الکتب: الخطّ الدالّ علی معنی الفرض» (شیخ طایفه، ۱۴۰۹ ق، ج ۲ ص ۱۳۵). این که ماده کتاب و کتابت دلالت بر وجوب داشته باشد ظاهراً به این لحاظ است که معمولاً طرفین معامله در معاملات و داد و ستدها پس از آن که مقدمات امر را با هم صحبت کردند و در همه موارد با هم به توافق رسیدند گفته می‌شود الآن قلم و کاغذ بیاورید تا بنویسیم و این مرحله به معنای تمام شدن و قطعیت معامله است. بنابر این کتب به معنای فرض می‌باشد و در قرآن کریم در موارد لزوم وصیت و قصاص و همین طور آیه شریفه مورد بحث راجع به روزه همین تعبیر مطرح شده، همین طور راجع به وجوب نماز این تعبیر به کار رفته است: «ان الصلواه کانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً» (نساء، ۱۰۲)؛ که به فرمایش فاضل مقداد در کتاب کنز العرفان در ذیل آیه شریفه چنین آورده است:

«کتاباً ای مکتوباً فان الكتاب مصدر كالقتال و الضراب و المصدر قدر یراد به المفعول ای المکتوب و هو یرادف القرض (فاضل مقداد، ۱۳۷۲ ش، ج ۱، ص ۵۸). به هر حال وجوب روزه از آیه شریفه، هم از تعبیر کتب استنباط می‌شود و هم از تعبیر «کما کتب علی الذین من قبلکم» که از تشبیه امت اسلامی به امم گذشته در حکم روزه، زیرا روزه بر آنان واجب بوده؛ لذا وجوب روزه بر مسلمین قطعی خواهد بود.

بعد از بیان اصل حکم در وجوب روزه به حکمت و هدف تشریح این فرضیه که دستیابی به پرهیزکاری می‌باشد، تصریح فرموده است که روزه بر شما همانند پیشینیان واجب شده با این امید که به مرحله پرهیزکاری برسید.

تقوا چیست

در خصوص واژه تقوا که از «وقایه» است، مطالب بسیاری در کتاب‌ها آمده است. قبل از بیان معنای تقوا در قرآن کریم و احادیث معصومین - علیهم السلام - معنای لغوی این لفظ را در بیان لغویین ببینیم:

«وقی تَبَقَهُ و تَوَقَّه: ای استَبَقِ نَفْسک و لا تعرضها للتلف و تحرز من الآفات و اتَّقِها» (اقرّب الموارد، ماده وقی). در این بیان تَوَقَّه - که از همین ماده وقی است - به معنای مراقبت و مواظبت و نگهداری آمده و وقتی متعلق و مورد آن خود مخاطب باشد بدان معناست که مراقب خود باش و نفس خود را در معرض تلف قرار مده و آن را از آفات نگه بدار. خلاصه تقوا به معنای مراقبت کامل و دوری جستن است از هرچه آفت نفس می‌باشد.

ثمرات تقوا در قرآن کریم

در قرآن راجع به تقوا مطالب زیادی آمده است که در این جا به برخی از مهم‌ترین دستاوردهای آن اشاره می‌کنیم:

۱- بی نتیجه بودن وسوسه‌های شیطانی: «ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا ...» (اعراف، ۲۰۱) گویی نوعی بیداری برای متقین وجود دارد که اگر مورد احاطه شیطان هم واقع شوند متذکر و متوجه گردیده، به واسطه همین توجه، گرفتار شیطان نمی‌شوند.

۲- بازداری از کید و مکر و صدمات دشمنان: «و ان تصبروا و تتقوا لا تضرکم کیدهم شیئاً...» (آل عمران، ۱۲۰). طبق آنچه در این تعبیر قرآنی آمده است عداوت و مکر بدخواهان به انسان صابر و متقی ضرر وارد نخواهد کرد؛ مخصوصاً با توجه به معنای جزا در آیه شریف که هیچ اثری از کید آنان دامنگیر شخص پرهیزکار نمی‌شود.

۳- فراهم شدن زمینه تشخیص حق و باطل: «ان تتقوا الله يجعل لکم فرقاناً» (انفال، ۲۹). حیرت و سرگردانی بسیاری از افراد در قضایای مختلف یکی از مشکلات جدی بشر در هر دوره‌ای است. از این تعبیر قرآن کریم استفاده می‌شود که پرهیزکاری عاملی است که در چنین مواردی انسان را نجات می‌دهد. از این آیه شریفه استفاده می‌شود که بی‌تقوایی در عمل، باعث کج فهمی و نهایتاً ضلالت و گمراهی انسان خواهد شد.

۴- آسان شدن مشکلات و خلاصی و رهایی از معضلات و گرفتاری‌ها: «و من یتق الله يجعل له من امره یسراً» (طلاق، ۴). یک وجه در تفسیر آن آیه این است که اصلاً امور مشکل به نوعی برای پرهیزکار سهل و آسان می‌شود؛ وجه دیگر این که متقی و پرهیزکار اصولاً مسائل سخت و مشکل را مشکل نمی‌بیند و در عقیده و عمل هیچ جریان صعب و دشواری برای او مشکل نیست؛ شاید هر دو وجه صحیح باشد.

۵- فراهم شدن اسباب خیر از راه‌های غیر منتظره و غیر معمولی برای پرهیزکار: «و من یتقل الله يجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لا یحتسب» (طلاق، ۲ و ۳). برای همگان در زندگی ممکن است شرایطی دشوار پیش آمده باشد. طبق این وعده قرآن کریم برای پرهیزکاران از راه‌ها و اسباب غیر معمولی و غیر منتظره مطلوب آنان حاصل و مشکلاتشان حل می‌شود.

۶- نزول برکات آسمانی: در پرتو تقوا: «و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض» (اعراف، ۹۶). درخشش نور فضل خداوند و فرود آمدن برکات آسمان و زمین در گرو ایمان به خداوند و تقواست.

مواردی که ذکر شد ناظر به آثار و برکات تقوا اعم از مادی و معنوی است و البته بیش‌تر به جنبه‌های طبیعی آثار تقوا در این آیات اشاره شده است؛ اما مواردی که قرآن کریم آثار معنوی و اخروی تقوا را گوشزد فرموده به مراتب از این‌ها زیادتر است. در این جا صرفاً برخی از این موارد را ذکر می‌کنیم:

۱- پوشش و بخشش لغزش‌ها در پرتو تقوا: «و لو ان اهل الکتاب آمنوا و اتقوا لکفرنا عنهم

سیئاتهم...» مائده، ۶۵). از آن جا که انسان غیر معصوم در معرض لغزش و گناه می‌باشد، گاه دورانی را رسماً در تباهی به سر برده، بعد توبه می‌نماید و یا این که در زندگی عادی هر چند عمدتاً روش مناسب و صالحی پیش بگیرد؛ اما چون غیر معصوم است در معرض گناه و خطا نیز می‌باشد. اگر کسی حد و اندازه مقبول تقوا را به دست آورد، طبق این آیه شریفه شعاع و گرمی تقوای او تاریکی‌ها را روشن می‌کند و در پرتو آن، گناهان او بخشیده می‌شود. آیه شریفه هر چند ممکن است مستقیماً ناظر به انحرافات اعتقادی بعضی افراد و ملل باشد که بعداً به ایمان واقعی می‌گیرند؛ در جهت دیگر نسبت به هر موردی تعمیم دارد.

۲- رستگاری واقعی در پرتو تقوا: «و من یطع الله و رسوله و یخش الله و یتقه فاولئک هم الفائزون (نور، ۵۲). «فوز» یکی از اهداف عالی انسانی است؛ زیرا همه افراد ذاتاً به دنبال رستگاری خود می‌باشند. اطاعت از خدا و یا پیامبر (ص) و رعایت فرامین خداوند که همان تقواست، وسیله دستیابی به این هدف (رستگاری) خواهد بود.

۳- ملاک مقبولیت اعمال نزد خداوند: «انما یتقبل الله من المتقین» (مائده ۲۷) اگر مبنای هر عمل خیری تقوای الهی نباشد ارزش واقعی آن حاصل نخواهد شد.

۴- تقوا؛ پشتوانه اجر و پاداش اعمال: «انه من یتق و یصبر فان الله لا یضیع اجر المحسنین» (یوسف، ۹۰). خداوند سرانجام اجر صابران و پرهیزکاران را به لحاظ همین فضایل ضایع نمی‌کند. البته این ثمره با توجه به شأن نزول آیه شریفه و سرانجام نورانی حضرت یوسف (ع) بیش‌تر ناظر به ثمرات طبیعی و دنیوی است.

۵- وعده اجر عظیم: «للذین احسنوا منهم و اتقوا اجر عظیم» (آل عمران، ۱۷۲). طرح اجر عظیم از ناحیه خداوند مبالغه نیست و این پاداش مخصوص اهل احسان و تقواست.

۶- رسیدن به بهشت و انواع نعمت‌های بهشتی: «ان المتقین فی جنات و عیون» (حجر، ۴۵). انواع نعمت‌های اخروی مربوط به متقین است که در این آیه شریفه و بعد از آن به بعض موارد آن اشاره شده است.

۷- ملاک برتری و قرب به خداوند: «ان اکرمکم عند الله اتقیکم» (حجرات، ۱۳). بنابراین هیچ امر دیگری در حد این صلاحیت نیست که ملاک قرابت و نزدیکی با خداوند باشد.

۸- برترین و بهترین توشه و زاد اخروی: «و ما تفعلوا من خیر یعلمه الله و تزودوا فان خیر الزاد التقوی» (بقره، ۱۹۲). با تأکیدی که در جمله اخیر راجع به برتری تقوا به عنوان زاد و

توشه معنوی شده است، شأن و ارزش تقوا معلوم می‌شود.

۹- حسن عاقبت در همه امور: «فاصبر ان العاقبه للمتقين» (هود، ۴۹). حسن عاقبت، مطلوب فطری هر آدمی است و قرآن کریم رسیدن به این مطلوب را برای پرهیزکاران وعده داده است.

۱۰- رسیدن به مقام امین: «ان المتقين في مقام امين» (دخان، ۵۱). مقامی که متّصف به امین است، موقعیت خاصی است که جایگاه پرهیزکاران است.

۱۱- همراهی و معیت خداوند با پرهیزکاران: «و اتقوا الله و اعلموا ان الله مع المتقين» (بقره، ۱۹۴). مطمئناً هر کس به این مرتبه برسد که خدا با او باشد خوفی نخواهد داشت و در واقع بالاترین و محکم‌ترین محافظ برای او فراهم شده و به عالی‌ترین مقصود دست یافته است.

۱۲- محبوب شدن نزد خداوند: «ان الله يحب المتقين» (توبه، ۷). پرهیزکاری باعث جلب محبت خداوند خواهد شد و خداوند شخص پرهیزکار را دوست می‌دارد.

موارد گفته شده صرفاً اشاره‌ای است به بعضی آیات قرآنی که ثمرات مادی و معنوی را برای پرهیزکاری بر شمرده است. البته منظور ما بررسی همه ابعاد آیات مذکور نبود بلکه منظور این است که از منظر قرآن کریم برکات و آثار تقوا را ملاحظه کنیم؛ زیرا قرآن کریم در تشریح روزه «لعلکم تتقون» (دستیابی به تقوا) را مقصود و هدف ذکر فرموده بود و آلا آثار و برکات تقوا در بیان معصومین - علیهم السلام - (که مبین و مفسر قرآن کریم هستند) همیشه قابل توجه است و اگر به مجموعه آثار تقوا در آیات و روایات توجه شود و فرد و جامعه به تقوای الهی (که در واقع نگهداری خود از همه اسباب شقاوت و حرکت به سوی اسباب سعادت است) دست پیدا کند جوامع بشری به بهترین وضع و خوشبختی کامل خواهد رسید. تقوا در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی باعث خواهد شد که خلل و فساد در ملت‌ها ریشه کن گردد. با توجه به این همه ارزش تقوا و ثمرات آن، با عنایت به این که قرآن کریم فلسفه تشریح روزه‌داری را رسیدن به این جایگاه بر شمرده است تأثیر، این عبادت بزرگ در زندگی دنیوی و اخروی مشخص می‌شود. به عبارت دیگر، از رهگذر آثار بزرگ و ارزشمند پرهیزکاری به اهمیت روزه‌داری که همانا رسیدن به پرهیزکاری است راه می‌یابیم.

روزه داری کامل و تعظیم و شکر خداوند

در یکی از آیاتی که راجع به روزه و احکام خاص ماه مبارک رمضان نازل شده است، با بیان

این مطلب که مسافرین و مریضان باید ایام دیگری از سال را روزه‌داری کنند (و یک ماه روزه داری را در طی سال باید داشته باشند)، فرموده است: «و لتكملوا العده و لتكبروا الله علی ما هدیکم و لعلکم تشکرون؛ معذورین از روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان روزهای دیگر را روزه می‌گیرند تا این یک ماه کامل شود و تا این که خداوند را در مقابل نعمت هدایت تعظیم نمایید و به امید این که شکرگزار خداوند باشید» (بقره، ۱۸۵).

بر این اساس، روزه داری از دو جهت باعث تکبیر و تعظیم خداوند است: یکی این که اصل اطاعت این دستور نوعی تعظیم ذات مقدس پروردگار است؛ جهت دیگر این که روزه گرفتن و امساک نفس از لذایذ مشخص، روح خضوع و تواضع را در انسان تقویت می‌کند و انسان، بهتر و بیش‌تر می‌تواند به ضعیف و ناچیزی خود در مقابل خداوند پی‌برد؛ و تعظیم خداوند و ناچیز دیدن خود در مقابل وی، در سلوک معنوی و دستیابی به قرب الهی نقش عمده دارد و گاهی اصل قرب به خداوند به چنین معرفت و شناختی در انسان تفسیر می‌شود که انسان خود و همه عالم را وابسته و محتاج به خداوند دریابد و هیچ استقلالی برای ما سوی الله قائل نباشد. بیان این واقعیت در مواردی از قرآن کریم آمده است مثل این آیه شریفه «یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید» (فاطر، ۱۵). عمده رفتاری‌های بشر از کبر و خودبینی و عدم درک کبریایی و عظمت پروردگار است.

در آخرین بخش آیه، امید دستیابی به مقام شکر الهی هدف روزه گرفتن عنوان شده است؛ که بر اثر اطاعت این دستور الهی، این مقام حاصل می‌شود و قدردانی از نعمت‌های خداوند لیاقت و صلاحیت استمرار نعمت‌های بعدی را فراهم می‌نماید؛ مخصوصاً نعمت هدایت که در آیه گوشزد شده و در صدر همه نعمت‌ها خواهد بود و طبیعتاً انسان شاکر در زندگی دنیا آرامش و آسایش بیش‌تری نسبت به دیگران خواهد داشت و از جهت معنوی و اخروی هم مشخصاً دارای مرتبت و منزلت بالاتری است؛ ضمناً این که در آیات متعدد قرآن کریم «لعلکم تشکرون» هدف بالای بعضی مسائل قرار گرفته ارزش این مقام (مقام شکر) روشن می‌شود.

بعضی آثار و برکات روزه در بیانات معصومین

۱- روزه داری و عدالت اقتصادی

در بیانات معصومین - علیهم السلام - به بعضی مصالح روزه اشاره شده است. بعضی اصحاب

ائمه از آنان راجع به فلسفه روزه داری سؤال می‌کردند، مثل این حدیث: «سأل هاشم بن الحكم ابا عبدالله عليه السلام عن عله الصيام فقال انما فرض الله الصيام ليستوى به الغنى و الفقير و ذلك ان الغنى لم يكن يجدمس الجوع فيرحم الفقير لان الغنى كلما اراد شيئاً قدر عليه فاراد الله عز و جل ان يسوى من خلقه و ان يذيق الغنى مس الجوع و الالم ليرق على الضعيف فيرحم الجائع» (شیخ صدوق، ۱۳۶۹ ش، ج ۲، ص ۳۸۵).

مطلبی که از دیر زمان در همه جوامع بشری به عنوان یک آرزو دنبال می‌شده و کسانی سعادت زندگی اجتماعی را در پرتو تحقق این ایده دنبال می‌کنند رفع محرومیت‌ها و برقراری عدالت، در بعد اقتصادی زندگی انسان‌هاست. در آیین نورانی اسلام برای رسیدن به این مقصد در حد معقول راه‌هایی نشان داده شده و رسماً احکامی تشریح گردیده که با عمل به آن‌ها جامعه می‌تواند نابسامانی‌های اقتصادی را برطرف نماید. انفاق‌های مالی از یک طرف و ارتقای روحيات اخلاقی مناسب از طرف دیگر که در پرتو تعالیم عالیه اسلامی است عموماً در این راستا مؤثر می‌باشند. تاسی به سیره عملی اولیای دین و شیوه زندگی آنان، جوامع بشری را به این مقصود نزدیک می‌کند. در حدیث مذکور روزه گرفتن به عنوان عاملی معرفی شده که روحیه ترحم و توجه به ضعفا را در انسان تقویت می‌کند و از این رهگذر زمینه تساوی در انسان‌ها فراهم می‌گردد. امام (ع) فرموده است: «انما فرض الله الصيام ليستوى به الغنى و الفقير؛ همانا خداوند روزه را واجب کرده تا توانمندان و فقرا مساوی گردند»، و بعد وجه تأثیر روزه را برای رسیدن به این مقصد این گونه ذکر فرمود که غنی با روزه داری، گرسنگی را احساس و درد گرسنگی مستمندان را درک نماید تا به فکر آن‌ها بیفتد؛ چرا که در غیر این صورت درد گرسنگی را درک نمی‌کند.

۲- روزه داری و تحقق روحیه نوع دوستی

یکی از گرایش‌های مطلوب آدمی نوع دوستی است؛ حتی بعضی مکاتب اخلاقی در این قضیه افراط کرده و نوع دوستی را تنها ملاک خیر در ارزش‌های اخلاقی معرفی کرده‌اند. «عاطفه گرایان جملگی معتقدند کارهایی که کاملاً جنبه فردی دارند یعنی آثار و نتایجشان فقط به شخص فاعل راجع می‌شود از حلقه ارزیابی اخلاقی بیرونند (مجتبی مصباح، ۱۳۷۹). البته این دیدگاه در فلسفه اخلاق و ادیان ملاک ارزش‌های اخلاقی دارای ایرادهایی است که عمده‌ترین آن‌ها این است که در این دیدگاه‌ها به ارزش‌ها و اخلاق فردی توجهی نشده و اخلاق

صرفاً جنبه اجتماعی به خود گرفته است. همین طور در میان گرایش‌های آدمی تنها گرایش دیگرخواهی مورد توجه قرار گرفته است. منظور از طرح این دیدگاه آن است که توجه بعضی مکتب‌ها را به دیگر خواهی و نوع دوستی یاد آور شویم.

آیین مقدس اسلام ملاک ارزش اخلاقی و خیر و شر را تنها عاطفه نودوستی ندانسته، ملاک در این آیین دیدگاه چیز دیگری است که اساساً همان قرب به خداوند است؛ اما در راستای همین مقصود و برای رسیدن به این مطلوب، توجه به خلق را مهم دانسته است. در لابه‌لای احکام نورانی اسلام (و در بعضی احکام به نحو خاص) این مطلب یعنی توجه به هم‌نوعان مورد توجه واقع شده، در حدیث منقول از امام صادق (ع) در پاسخ هشام راجع به فلسفه روزه که ذکر شد به طور رسمی روحیه نوع دوستی به عنوان یکی از آثار و برکات، بلکه فلسفه تشریح روزه ذکر شده است؛ چنان که فرمود: «فأراد الله عز وجل ان يسوي بين خلقه و ان يذيق الغنى مس الجوع و الالم ليرق على الضعيف فيرحم الجائع»؛ لذا هدف اول ایجاد تساوی و تعادل اقتصادی، و توجه و ترحم به ضعفا می‌باشد که به خاطر روزه داری و احساس گرسنگی و رنج حاصل از آن به دست می‌آید و از این طریق انفاق به دیگران و رفع محرومیت‌ها صورت می‌گیرد. در احکام مربوط به روزه داری وقتی توجه شود همین مقصود مورد نظر شارع مقدس است، مانند حکم کفارات از قبیل کفاره افطار عمدی در ماه مبارک رمضان و روزه‌های واجب مثل افطار روزه مندور و حکم فدیة دادن برای بسیاری از معذورین که در ماه مبارک رمضان نتوانستند روزه بگیرند و همین طور زکات مخصوص ماه مبارک معروف به زکات فطره. همه این موارد گویای آن است که تشریح روزه هر چند در یک بعد امساک و خود نگهداری برای روزه‌دار است؛ در بعد دیگر نوعی دیگر خواهی و توجه به دیگران می‌باشد که همه این اهداف در پرتو توجه به ذات مقدس پروردگار به دست می‌آید.

۳- روزه داری و تعدیل روح و روان

یکی از اسباب مشکلات در زندگی بشر عدم تعادل روحی و روانی است که در بعضی موارد ریشه در سرکشی‌ها و طغیان آدمی دارد؛ زیرا سیری شکم موجب طغیان است و زمینه گسترش شهوات و هوسبازی و زیاده طلبی را فراهم می‌کند. همه این‌ها نوعی عدم تعادل روحی و روانی است یکی از آثار روزه‌داری که در بعضی احادیث به آن اشاره شده کنترل انسان و جلوگیری از

گسستن افسار شهوات است. در پاسخی که امام علی بن موسی الرضا (ع) به محمد بن سنان نوشت بعد از ذکر مواردی از علت روزه‌داری آمده است: «مع ما فيه الا نکسار له عن الشهوات» (شیخ صدوق، ۱۳۶۹ ش، ج ۲، ص ۳۸۶). در حقیقت شکستن شهوات از جمله هدف‌های روزه‌داری است.

۴- روزه داری و شکوفایی اخلاق

در همه مجامع بشری و فرهنگ‌های مختلف، بسیاری از فضایل اخلاقی مورد توجه است و انسان فطرتاً درک می‌کند که در پرتو فضایل و خیرات اخلاقی مشکلات او کم‌تر می‌شود. این که مسیر دستیابی و شناخت ملاک‌ها همیشه از طریق درک بشر و ابزار ادراکی او میسر است یا خیر بحث دیگری است. در آیین مقدس اسلام راه‌ها و شیوه‌های مختلفی در معرفی فضایل و رذایل و راه‌های دستیابی به فضایل و محفوظ ماندن از رذایل اخلاقی بیان شده است؛ حتی در تشریح احکام و تکالیف، ابعاد مختلف زندگی بشر لحاظ شده و پرورش و تهذیب اخلاق در سایر احکام بیش از بسیاری از برکات دیگر مورد نظر قرار گرفته است؛ لذا هرگاه روزه‌دار بخواهد روزه واقعی داشته باشد باید همراه با خودداری از خوردن و آشامیدن موارد دیگری را مراعات کند؛ زیرا روزه صرفاً ترک خوردن و آشامیدن نیست. معصومین (ع) به این مطلب اشاره فرموده‌اند؛ مثل این حدیث: قال ابو عبدالله (ع): «إذا أصبحت صائماً فليصم سمعك و بصرک من الحرام و جارحتک و جميع اعضائك من القبيح...» (محدث قمی، ۱۴۱۴ ق، ج ۵ ص ۲۱۹)؛ که روزه واقعی و کامل در این حدیث به نگهداری همه اعضا از حرام و ناروا مشروط شده است. آن گاه که شخص روزه‌دار با توجه به این شرایط و به تعبیر دیگر روزه دار واقعی باشد مشخصاً در روحیه خود، مراتب عالی کمال را خواهد یافت.

در جمله‌ای از امام صادق (ع) به طور کلی شرط روزه واقعی را صحت درون معرفی فرموده و در جمله دیگری در همین حدیث آمده است: «و لا تجعل يوم صومک کیوم فطرک» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۳ ص ۲۹۲) همچنین در آداب مربوط به روزه داران مسائلی در بیانات معصومین - علیهم السلام - مطرح شده که توجه به آن‌ها رسیدن به عالی‌ترین مراحل اخلاقی را دنبال می‌کند. روزه دار در اخلاق اجتماعی به مرحله‌ای از رشد می‌رسد که نه تنها حقوق دیگران را ضایع نمی‌نماید بلکه آزار و صدمات دیگران را هم تحمل می‌کند. در جمله‌ای از طریق امام هفتم (ع) که به پیامبر (ص) منتهی می‌شود چنین نقل شده است: «ما بین عبد یصبح صائماً

فیشتم فیقول سلام علیکم انی صائم الا قال الله سبحانه استجار عبدی من عبدی بالصیام فادخلوه الجنة؛ بنده روزه‌داری نیست که دشنام داده شود و به جای جواب فحش به دشنام دهنده سلام کند و بگوید من روزه دار هستم، مگر این که خداوند می‌فرماید: بنده من از شر بنده دیگر به روزه پناه برد پس او را وارد بهشت نمایید» (همان، ص ۲۹۳).

روزه داری و صبر

صبر و بردباری که در رأس فضایل اخلاقی است، با روزه گرفتن شکوفا می‌شود و این عبادت، سرایا تمرین برای صبر و بردباری است. اگر در فضیلت صبر در آیات و روایات بنگریم مشخص می‌شود که بالاترین خیر مؤمن، بلکه اساس ایمان او صبر است. به تعبیر مرحوم نراقی: «فما من فضیله الا و امرها بتقدیر و حساب الا الصبر و لذا قال: انما یوقی الصابرون اجرهم بغير حساب». انفال، ۴۷ (نراقی، ۱۳۸۳ ق، ج ۳، ص ۲۸۶). ایشان بعد از ذکر آیات متعددی از قرآن کریم در فضیلت صبر می‌فرماید: «و الآیات الواردة فی مقام الصبر خارجة عن حد الاستقصاء و الاخبار الماجده له اکثر من ان تحصی. قال رسول الله صلی الله علیه و آله الصبر نصف الايمان (همان، ص ۲۸۷).

همان طور که اشاره شد روزه در ابعاد مختلف وسیله و زمینه صبر، بلکه عین صبر است و در تفسیر آیه شریف: «و استعینوا بالصبر و الصلوه ... (بقره، ۴۵)؛ طبق حدیثی از امام صادق (ع) مراد از صبر که خداوند در ردیف نماز دستور به استعانت و کمک‌گیری از آن را صادر فرموده است، روزه می‌باشد (شیخ صدوق، ۱۳۶۹ ش، ج ۲، ص ۳۸۹). در حدیث دیگری امام صادق (ع) فرمود: «اگر مصیبت و گرفتاری برای کسی پیش آمد برای توان و صبر بر تحمل آن باید از روزه کمک گرفت» و سپس به آیه شریفه اشاره فرمود (همان، ص ۳۹۰)؛ یعنی چون یک قسم صبر، صبر در مقابل گرفتاری‌ها و بلاهاست؛ لذا روزه‌داری وسیله اعانت و کمک انسان خواهد بود؛ زیرا روزه‌داری خود نوعی صبر در برابر کشش‌هایی است که مقابله با آن‌ها بردباری و شکیبایی و صبر می‌طلبد.

۵- روزه داری و سلامت جسمانی

به طور طبیعی انسان نسبت به سلامت بدن خود حساسیت خاص دارد و از آن جا که رنج‌ها

و کسالت‌های جسمانی امری محسوس است و در هر عارضه و مریضی ناملايمات و درد را درک می‌کند، قهراً از ناتندرستی و مریضی گریزان است. از سوی دیگر ادیان الهی در هر جهت طبایع معقول بشری را رعایت کرده‌اند و در تشریح احکام و قوانین الهی (همان طور که قبلاً مطرح شد) عموماً مصالح واقعی انسان‌ها را در نظر گرفته‌اند؛ حتی مصالح طبیعی دنیوی آن هم رعایت شده است. بر همین اساس اگر حکم شرعی و تکلیفی باعث مشکل و احیاناً ضرر جسمانی باشد حکم تغییر می‌کند؛ مثلاً اگر طهارت و وضو و غسل با آب ضرر جسمانی داشته باشد وظیفه تبدیل به تیمم می‌شود. در همین باب اگر روزه داری باعث پیدایش مریضی شود و یا باعث افزونی بیماری و یا کندی درمان آن گردد، اصل تکلیف برداشته می‌شود. همه این موارد گویای آن است که در دستورات شرعی رسماً جوانب جسمانی مورد توجه قرار گرفته است.

به همین نسبت که در رفع تکلیف و یا تغییر و تبدیل آن، قدرت بدنی و سلامت و کسالت جسمانی تاثیر دارد، در اصل تشریح احکام الهی، مطمئناً به مقتضای حکم ذات واجب، مصالح و مفاسد طبیعی و جسمانی رعایت گردیده است. در رابطه با روزه و روزه داری همین مطلب بالصراحه از زبان معصومین - علیهم السلام - وارد شده؛ چنان که در حدیث معروف: «صوموا تصحوا؛ روزه بگیرید تا سالم شوید»؛ تاثیر روزه در سلامت جسمانی معلوم می‌شود. آثار این عبادت در رابطه با دستگاه هاضمه هم روشن است؛ زیرا قسمت عمده تولید انرژی از آن طریق انجام می‌شود و نتایج دایم خوری و پرخوری در فساد این دستگاه عظیم امری واضح و روشن است. از نظر علمی و فنون پزشکی نیز برکات روزه‌داری در سلامت بدن امری ثابت شده می‌باشد.

از این مهم‌تر تأثیری است که روزه گرفتن در روح و روان و تهذیب آن خواهد داشت؛ زیرا روزه‌دار (همان طور که قبلاً گفته شد) در جهات مختلف مراقبت و مواظبت ویژه لازم دارد: از نگاه بی‌مورد از گفتار و سخن نامطلوب و ... باید پرهیز کند و کسی که در زندگی چنین مراقبت‌هایی داشته باشد از اضطراب و نگرانی روحی در امان خواهد بود. عمده اضطراب‌ها در نزاع‌ها ناحق‌گویی‌ها و عملکردهای ناروا پیدا می‌شود، و هیجانات و ناهنجاری‌های روانی همیشه بیماری‌زا خواهد بود و ریشه بسیاری از مرض‌ها از این امور می‌باشد؛ هر چند ابتدائاً محسوس نباشد.

نتیجه

احکام نورانی اسلام بر مبنای حکمت ذات اقدس الهی تشریح شده و هر حکمی در کمال مادی و معنوی انسان مؤثر خواهد بود. تشریح احکام و قوانین الهی گذشته از آثار و فواید مادی و معنوی، تبیین حقانیت دین مبین اسلام و علامت حقانیت و نورانیت این آیین نهفته است. چون در بعضی موارد افرادی راجع به تکلیفی خاص و مصحلت آن پرسش داشته باشند، در خود قرآن کریم و همچنین روایات معصومین - علیهم السلام - به بعضی آثار مادی و معنوی تکلیف و عبادت معین اشاره شده تا از این رهگذر هم اهل ایمان با دلگرمی و نشاط بیش‌تری به احکام و تکالیف الهی توجه و عمل کنند و هم اهل کفر و انکار و شک در این احکام که اماره و نشانه حقانیت شریعت است بیندیشند و هم این که نورانیت و بصیرتی بیش‌تر برای اهل معرفت حاصل گردد.

از آن جا که عبادت روزه در آیین مقدس اسلام ابتدائاً ممکن است به عنوان یک تکلیف شاق مطرح شود؛ لذا پرسش در فلسفه و حکمت آن بی‌مورد نیست و از طرفی با توجه به اهمیت این عبادت در آیین مقدس اسلام حکمت و فلسفه آن دارای اهمیت است و راهیابی به مصالح عالی روزه در بعد مادی و معنوی در شکوفایی ایمان به ذات مقدس پروردگار و حقانیت شرایع الهی خاصه آیین مقدس اسلام مؤثر خواهد بود. از سوی دیگر مهم‌ترین منبع در این مورد قرآن کریم و روایات معصومین - علیهم السلام - است و علم و ادراک بشر محدود می‌باشد؛ لذا با استناد به آیات قرآن کریم و احادیث، در این مقاله به پاره‌ای از مصالح روزه‌داری پرداخته‌ایم. عالی‌ترین هدف روزه‌داری، پرهیزکاری ذکر شده است. پس از بیان این مطلب حکمت و فلسفه روزه را با تفسیر و تبیین مصادیق تقوا در خود قرآن کریم دنبال کردیم و با دسته‌بندی آثار مادی و معنوی و شاخصه‌های این عبادت به این نتیجه رسیدیم که در پرتو روزه‌داری می‌توان سعادت فردی و اجتماعی مادی و معنوی انسان‌ها را بازیافت.

از طرفی در احادیث معصومین - علیهم السلام - ثمرات و آثار روزه ملاحظه گردید و آرزوهای دیرینه بشری در ابعاد مختلف زندگی انسان را از قبیل عدالت اجتماعی سلامت جسمانی و آرامش روانی طبق بیانات معصومین - علیهم السلام - در پرتو روزه‌داری تحقق می‌یابد. در این بخش صرفاً بعضی احادیث را ذکر کردیم. قابل ذکر است که در این مجموعه و با این فرصت محدود نمی‌توان مدعی شد که حکمت واقعی روزه در قرآن و احادیث طبق شأن

آنان مورد بررسی واقع شده باشد؛ هر چند امید است این مختصر زمینه توفیق بیش‌تر را فراهم نماید.

مأخذ

- ۱- الشرتونی، سعید الجوری؛ اقرب الموارد (بیروت، مرسلی المسبوعیه، ۱۸۸۹ م).
- ۲- شیخ صدوق؛ من لا یحضره الفقیه (تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۹ ش).
- ۳- قرآن کریم.
- ۴- مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار (بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق).
- ۵- محدث قمی، شیخ عباس؛ سفینه البحار (دار الاسره للطباعه و النشر، ۱۴۱۴ ق).
- ۶- محمد بن الحسن (شیخ الطائفه)؛ تفسیر تبیان (مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق).
- ۷- مصباح، مجتبی؛ فلسفه اخلاق (قم، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹ ش).
- ۸- مقداد، فاضل؛ کنز العرفان (تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۳ ش).
- ۹- نراقی، محمد مهدی؛ جامع السعادات (نجف، منشورات جامعه النجف الدینی، ۱۳۸۳ ق).

